کتاب عاموس نبی

مقدمه

عاموس نبی نویسندهٔ این کتاب، در منطقهٔ جنوب اسرائیل وظیفهٔ چوپانی داشت. اما خداوند او را در اواسط قرن هشتم قبل از میلاد به رسالت دعوت کرد. اکثر موعظه‌های عاموس، خطاب به مردم سلطنت شمالی اسرائیل که

پایتخت آن سامره بود، می‌باشد.

در زمان عاموس، مردم در آسایش فراوان زندگی می‌کردند. اشخاص ثروتمند در حالی‌که در جشنهای مذهبی شرکت کرده و قربانی‌ها تقدیم می‌نمودند، همچنان بر دیگران ظلم می‌کردند. عاموس آنها را به اشتباه‌شان متوجه ساخت و به آنها گفت که با این رویه و کردار ظاهراً مذهبی خود، خدا

را خشمگین می‌سازند. عاموس نبی، آنها را تشویق نموده گفت: «بگذارید که عدالت مانند آب و انصاف مانند دریا همیشه در جریان باشد.»

یکی از آیتهای مهم این کتاب آیت ۱۵ فصل پنجم است که می‌فرماید: «از بدی بپرهیزید و نیکی کردن را دوست بدارید و در محکمه‌ها عدالت را برقرار سازید. شاید

خداوند، خدای قادر مطلق، بر بازمانده‌گان این قوم رحم کند.»

فهرست موضوعات

مجازات همسایه‌گان اسرائیل: فصل‌های ۱: ۱ ـ ۲: ۵

مجازات اسرائیل: فصل‌های ۲: ۶ ـ ۶: ۱۴

پنج رؤیا: فصل‌های ۷ ـ ۹

۱ اینها سخنان عاموس است که در منطقهٔ تِقوع زندگی می‌کرد و یک چوپان بود. او دو سال قبل از وقوع زلزلهٔ شدید، وقتی‌که عُزیا، پادشاه یهودا و یِرُبعام، پسر یهوآش بر اسرائیل سلطنت می‌کرد، دربارهٔ آنچه که خداوند به او نشان داده بود، چنین می‌گوید:

۲ «خداوند از کوه صهیون
در اورشلیم، مانند یک
شیر غُرش می‌کند

و چراگاه‌های
چوپانان خشک
می‌شوند

و سبزه‌های قلهٔ کوه
کرمِل زرد و
پژمرده
می‌گردند.»

مجازات همسایه‌گان اسرائیل

داوری بر دمشق

۳ خداوند می‌فرماید: «مردم
دمشق بارها مرتکب گناه
شده‌اند، بنابرین از تقصیرشان
نمی‌گذرم و آنها را مجازات
می‌کنم، زیرا آنها با مردم جِلعاد
وحشیانه و ظالمانه رفتار کردند.
۴ پس من آتشی را بر خاندان
حَزائیل، پادشاه دمشق می‌فرستم
و قلعه‌های مستحکم بِنهَدَد را

می‌سوزانم. ۵ دروازه‌های شهر
دمشق را می‌شکنم و اهالی درهٔ
آوَن و پادشاه بیت‌عدن را نابود
می‌سازم. مردم سوریه به سرزمین
قیر به اسارت بُرده خواهند
شد.» خداوند چنین فرموده
است.

داوری بر فلسطین

۶ خداوند می‌فرماید: «مردم
شهر غزه بارها مرتکب گناه

شده‌اند. آنها سزاوار مجازات
هستند، زیرا تمام مردم منطقه را
تبعید کردند تا به‌عنوان غلام
بدست مردم ادوم تسلیم کنند.
۷ پس من آتشی را بر
دیوارهای غزه می‌فرستم و
قلعه‌های مستحکم آن را
می‌سوزانم. ۸ اهالی شهر اشدود
را از بین می‌برم و پادشاه شهر
اشقِلون را می‌کُشم. مردم شهر
عِقرون را از بین می‌برم و تمام

فلسطینی‌هایی که باقی مانده‌اند، هلاک می‌شوند.» خداوند چنین فرموده است.

داوری بر صور

۹ خداوند می‌فرماید: «مردم شهر صور بارها مرتکب گناه شده‌اند. آنها حتماً مجازات می‌شوند، زیرا که آنها تمام قوم ادوم را به اسارت بُردند و پیمان برادری خود را شکستند. ۱۰

بنابران، من آتشی را بر
دیوارهای صور می‌فرستم و
قلعه‌های مستحکم آن را با
شعله‌های آن می‌سوزانم.»

داوری بر ادوم

۱۱ خداوند می‌فرماید: «مردم
ادوم بارها مرتکب گناه شده‌اند.
من از نافرمانی‌شان نمی‌گذرم،
زیرا آنها با شمشیر به تعقیب
برادران خود رفتند و با خشم و

غضب همه را بی‌رحمانه به قتل
رساندند. ۱۲ بنابران، من آتشی
را بر شهر تیمان می‌فرستم و
قلعه‌های بُصره را می‌سوزانم.»

داوری بر عمون

۱۳ خداوند می‌فرماید: «مردم
عمون بارها مرتکب گناه
شده‌اند و من این را فراموش
نمی‌کنم، زیرا آنها برای این که
سرزمین خود را وسیع‌تر کنند،

در جنگ جِلعاد، با دریدن
شکم زنان حامله با شمشیر،
مردم آنجا را نابود کردند. ۱۴
بنابران، من آتشی را بر
دیوارهای شهر رَبه می‌افروزم و
قلعه‌های آن را با فریاد و نعرهٔ
جنگ و غُرش طوفان از بین
می‌برم. ۱۵ پادشاه آنها با
مأمورینش یکجا تبعید
می‌شوند.» خداوند چنین
فرموده است.

۱ خداوند می‌فرماید: «مردم
موآب بارها مرتکب گناه
شده‌اند. من به سبب
خطاهای‌شان، آنها را مجازات
می‌کنم، زیرا که آنها
استخوانهای پادشاه ادوم را
سوختاندند و به خاکستر تبدیل
کردند. ۲ پس من آتشی را بر
موآب می‌فرستم و قلعه‌های
قِریُوت را می‌سوزانم. اهالی

موآب در بین خروش و غوغای
جنگ، نعرهٔ جنگجویان از بین
می‌روند. ۳ پادشاه‌شان را با
مأمورینش یکجا هلاک
می‌سازم.» خداوند چنین
فرموده است.

داوری بر یهودا

۴ خداوند می‌فرماید: «مردم
یهودا بارها مرتکب گناه
شده‌اند. آنها حتماً جزا می‌بینند،

زیرا شریعت مرا رد نموده و از
احکام من پیروی نکردند، بلکه
با پیروی از بتهایی که
اجدادشان می‌پرستیدند، گمراه
شدند. ۵ پس من هم آتشی را
بر یهودا می‌فرستم و قلعه‌های
اورشلیم را می‌سوزانم.»

مجازات اسرائیل

داوری بر اسرائیل

۶ خداوند می‌فرماید: «مردم

اسرائیل بارها مرتکب گناه
شده‌اند. آنها حتماً باید مجازات
گردند، زیرا آنها اشخاص نیک
و راستکار را که قادر به
پرداخت قرض خود نیستند و
مردم فقیر و بینوا را که
نمی‌توانند پول قرض یک جوره
کفش را بپردازند، به غلامی
می‌فروشند. ۷ بر مردم مسکین
ظلم می‌کنند و مانع اجرای
عدالت در حق اشخاص

ضعیف و ناتوان می‌گردند. پسر و پدر با یک دختر همبستر می‌شوند. به این ترتیب، نام مقدس مرا بحرمت می‌سازند.
۸ با همان لباسی که از قرضداران خود گرو گرفته‌اند، در کنار هر قربانگاه می‌خوابند و در عبادتگاه خدای خود با پولی که به عنوان جریمه از مردم گرفته‌اند، شراب می‌نوشند.

عدم اطاعت قوم برگزیده

۹ اما ای قوم برگزیدهٔ من،
به‌خاطر شما اَموریان را که
مانند درختهای سرو، بلند و
همچون درختهای بلوط،
نیرومند و قوی بودند، با میوه و
ریشه‌های‌شان کاملاً نابود
ساختم. ۱۰ من بودم که شما را
در آن وقت از کشور مصر
بیرون آورده و مدت چهل سال
در بیابان راهنمایی کردم تا این
که سرزمین اَموریان را به دست

آوردید. ۱۱ بعضی از پسران
شما را به حیث انبیا و بعضی از
جوانان‌تان را به عنوان یک نذر
وقف شده برای خود انتخاب
کردم.» خداوند می‌فرماید:
«ای قوم اسرائیل، آیا این
حقیقت ندارد؟ ۱۲ اما شما به
آن جوانان نذری شراب دادید
که بنوشند و به انبیا گفتید که
نبوت نکنند. ۱۳ پس حالا شما
را مانند یک گادی که در زیر

بار سنگین غله است، تحت
فشار قرار می‌دهم. ۱۴ حتی
سریع‌ترین کسان نمی‌توانند فرار
کنند. قوت و نیروی
جنگجویان از بین می‌روند و
آنها قادر نمی‌باشند که جان
خود را نجات دهند. ۱۵
تیراندازان مقاومت خود را از
دست می‌دهند. دونده‌گان از
فرار بازمی‌مانند و اسپ سواران
نمی‌توانند جانهای خود را

نجات بدهند. ۱۶ در آن روز
شجاع‌ترین جنگجویان سلاح
خود را به زمین انداخته و برای
نجات جانهای خود فرار
می‌کنند.» خداوند چنین
می‌فرماید.

۱ ای قوم اسرائیل، به
کلامی که خداوند بر ضد شما
گفته است، گوش دهید.
خداوند بر ضد تمام مردمی که
آنها را از مصر بیرون آورده

است، چنین می‌فرماید:

۲ «از بین تمام قومهای
روی زمین،

من تنها شما را
انتخاب کرده‌ام.

به همین دلیل شما را به
سبب همهٔ گناهان‌تان

مجازات خواهم
کرد.»

۳ آیا دو نفر بدون آن که با هم توافق داشته باشند، یکجا سفر می‌کنند؟

۴ آیا شیر، وقتی شکاری نداشته باشد در جنگل غُرش می‌کند؟

آیا شیر جوان اگر شکاری نکرده باشد، در لانهٔ خود می‌غُرَد؟

۵ اگر تله‌ای نباشد، آیا
پرنده‌ای به دام می‌افتد؟

اگر تله چیزی را نگرفته
باشد، آیا بسته می‌شود؟

۶ وقتی زنگ خطر جنگ
نواخته شود، آیا مردم از ترس
نمی‌لرزند؟

اگر خواست خداوند نباشد،
آیا شهری دچار مصیبت

می‌شود؟

۷ خداوند متعال، قبل از آن
که بنده‌گان خود، یعنی انبیا را
از ارادهٔ خود آگاه نسازد، کاری
نمی‌کند.

۸ هرگاه شیر غُرش کند،
کیست که از ترس نلرزد؟

وقتی خداوند متعال سخن
گوید، آیا یک نبی جرأت

می‌کند که آن را اعلام نکند؟

داوری بر سامره

۹ به ساکنان قلعه‌های
اشدود و مصر اعلام کنید و
بگویید: «بر کوه‌های سامره
جمع شوید و ببینید که چه
آشوبی در آنجا برپاست و مردم
مرتکب چه ظلمهایی
می‌شوند.»

۱۰ خداوند می‌فرماید:

«اهالی آنجا از صداقت و
راستی کار نمی‌گیرند.
قلعه‌های‌شان پُر از غنیمت‌هایی
است که از راه غارت و دزدی
به‌دست آورده‌اند. ۱۱ بنابران،
دشمن می‌آید و سرزمین‌شان را
محاصره می‌کند. قدرت
دفاعی‌شان را از بین می‌برد و
قلعه‌های‌شان را تاراج
می‌نماید.»

۱۲ خداوند می‌فرماید:

«همان‌طوری که یک چوپان
فقط دو پا و یا یک گوش
گوسفندی را از دهن شیر
دوباره می‌گیرد، در سامره هم
تنها عدهٔ کمی از ساکنان آن که
بر تختهای مجلل تکیه زده‌اند،
نجات می‌یابند.» ۱۳ خداوند،
خدای قادر مطلق چنین
می‌فرماید: «این پیام را بشنوید
و بر ضد بنی‌اسرائیل شهادت
دهید. ۱۴ در همان روزی که

قوم اسرائیل را به سزای
گناه‌شان برسانم، قربانگاه‌های
بیت‌ئیل را هم از بین می‌برم.
چهار کنج قربانگاه تکه‌تکه
شده و به زمین می‌افتد. ۱۵
خانه‌های تابستانی و زمستانی
را ویران کرده و خانه‌هایی را
که با عاج فیل زینت یافته‌اند،
با خاک یکسان می‌کنم و همه
قصرهای‌شان را از بین می‌برم.»
خداوند چنین می‌فرماید.

داوری بر زنان سامره

۱ ای زنان سامره که مانند
گاوهای منطقهٔ باشان در
کوه‌های سامره چاق شده‌اید، به
این کلام گوش دهید. ای
کسانی که بر مردم بینوا ظلم
می‌کنید، اشخاص نادار و
محتاج را پایمال می‌نمایید و به
شوهران‌تان می‌گویید: «شراب
بیاورید که بنوشیم.» ۲
خداوند متعال به قدوسیت

خود قسم خورده و فرموده
است: «روزی می‌رسد که
دشمن چنگک به دهان شما
انداخته و همهٔ شما را مانند
ماهی صید کرده و با خود
خواهند بُرد. ۳ هر یک از شما
را از نزدیکترین سوراخ دیوار
شهر بیرون انداخته و از آنجا به
سمت کوه حِرمون به تبعید
می‌برند.»

سرکشی قوم اسرائیل

۴ خداوند متعال می‌فرماید:
«ای قوم اسرائیل، اگر
می‌خواهید، به عبادتگاه
شهرهای بیت‌ئیل و جِلجال
بروید و گناه ورزید. هر قدر که
می‌خواهید گناه کنید. هر صبح
قربانی‌های‌تان را بیاورید و بعد
از هر سه روز ده‌یک‌تان را
بدهید. ۵ به اجرای قربانی‌های
شکرگزاری‌تان ادامه دهید و به
همه جا اعلان کنید که برای

خداوند قربانی داوطلبانه تقدیم کرده‌اید، زیرا شما به تظاهر و خودنمایی عادت دارید.»
خداوند متعال چنین فرموده است.

۶ خداوند می‌فرماید: «من به تمام شهرهای شما قحطی و در جمیع مکانهای شما احتیاج نان را آوردم، اما با اینهم توبه نکردید و به‌سوی من برنگشتید.
۷ در فصل درو، باران را قطع

کردم. در یک شهر باران
فرستادم و در شهر دیگر از آن
جلوگیری نمودم. بر یک زمین
باران بارید و زمین دیگر از
بی‌آبی خشک شد. ۸ مردم
چند شهر برای نوشیدن یک
کمی آب، با تن خسته و ناتوان
به شهر دیگری خود را آواره
می‌کردند، اما تشنه‌گی‌شان رفع
نمی‌شد. با اینهم شما توبه
نکردید و به‌سوی من

برنگشتید.»

۹ خداوند می‌فرماید: «با
باد آتشین و آفت، محصول
باغها و تاکستانهای شما را از
بین بُردم. درختهای انجیر و
زیتون شما خوراک ملخها
شدند، اما بازهم شما به‌سوی
من برنگشتید.»

۱۰ خداوند می‌فرماید:
«همان بلاهایی را که بر سر

مردم مصر آوردم بر سر شما هم
فرستادم. جوانان شما را با
شمشیر کُشتم، اسپهای‌تان ربوده
شدند. بینی‌های‌تان از بوی بد
اجساد اردوگاه‌تان پُر شدند. با
اینحال، شما به‌سوی من
برنگشتید.

۱۱ بعضی از شما را مانند
مردم سُدوم و عموره نابود
ساختم. کسانی هم که زنده
ماندند، مانند چوبِ

نیم‌سوخته‌ای بودند که از بین
آتش بیرون کشیده شده باشند.
با همهٔ اینها، بازهم شما به‌سوی
من برنگشتید. ۱۲ بنابران، من
شما را مجازات می‌کنم. پس
ای اسرائیل، برای داوری و
مجازات در برابر خدای خود
آماده شوید.» خداوند چنین
فرموده است.

۱۳ زیرا به یقین، آن خدایی
که کوه‌ها را بنا نمود

و باد را به وجود آورد،

انسان را از افکار پنهانی
خود آگاه می‌سازد،

روز را به شب تبدیل
می‌کند

و بر بلندی‌های زمین
قدم می‌گذارد،

نام او خداوند، خدای قادر
مطلق است.

دعوت به توبه

۱ ای قوم اسرائیل، این
است مرثیه‌ای در مورد شما، به
آن گوش دهید:

۲ اسرائیل مانند یک دختر
پاکدامن است

که از پا افتاده و
هرگز
برنمی‌خیزد.

او فراموش شده است

و کسی نیست که او
را از زمین بلند
کند.

۳ خداوند متعال می‌فرماید:
«از یک شهر اسرائیل،
یک‌هزار نفر به جنگ می‌روند،
اما تنها یک‌صد نفر زنده
برمی‌گردند. از شهر دیگری صد
نفر فرستاده می‌شوند، ولی فقط

ده نفر زنده می‌مانند.»

۴ خداوند به قوم اسرائیل
می‌فرماید: «مرا بطلبید تا زنده
بمانید. ۵ به بیت‌ئیل برای
عبادت نروید، به جِلجال
اجتماع نکنید و به بئرشِبع
داخل نشوید، زیرا مردم شهر
جِلجال تبعید می‌گردند و مردم
شهر بیئیل نابود می‌شوند.»
۶ در طلب خداوند باشید تا
زنده بمانید، در غیرآن غضب

او مانند آتش شعله‌ور می‌شود و
قوم اسرائیل را می‌سوزاند و
مردم بیت‌ئیل را از بین می‌برد و
کسی نمی‌تواند آن را خاموش
سازد. ۷ شما محکوم به فنا
هستید، زیرا عدالت را پایمال
می‌کنید و مردم را از حق‌شان
محروم می‌سازید.

۸ کسی که ستاره‌گان
آسمان،

یعنی ثریا و جبار را
آفرید،

او که تاریکی را به صبح
روشن

و روز را به شب
تبدیل می‌کند،

کسی که آبهای بحر را
جمع کرده،

بر زمین می‌باراند،

نام او خداوند
است.

۹ او نیرومندان را با
قلعه‌های‌شان نابود
می‌سازد.

۱۰ شما از کسانی که در
محکمه پیرو عدالت بوده و
۱۱ صادق هستند، نفرت دارید.
بر مردم مسکین و فقیر ظلم
می‌کنید و غلهٔشان را به زور

می‌گیرید. بنابران، در خانه‌هایی
که از سنگهای تراشیده برای
خود بنا کرده‌اید، زندگی
نخواهید کرد و از شراب
تاکستانهای زیبایی که کِشت
نموده‌اید، نخواهید نوشید ۱۲
زیرا من می‌دانم که گناهان زیاد
و جنایات بزرگی را مرتکب
شده‌اید. به اشخاص راستکار
آزار می‌رسانید، رشوت می‌گیرید
و عدالت را در محکمه از مردم

مسکین بازمی‌دارید. ۱۳ پس در
چنین وقت مردم دانا خاموشی
را اختیار می‌کنند زیرا این یک
زمانهٔ بد است.

۱۴ پس در تلاش نیکویی
کردن باشید و از شرارت دست
بکشید تا زنده بمانید. آنگاه
چنان‌که می‌گفتید، خداوند،
خدای قادر مطلق، به یقین با
شما خواهد بود. ۱۵ از بدی
بپرهیزید و نیکی کردن را

دوست بدارید و در محکمه‌ها
عدالت را برقرار سازید. شاید
خداوند، خدای قادر مطلق، بر
بازمانده‌گان این قوم رحم کند.

۱۶ خداوند، خدای قادر
مطلق، می‌فرماید: «از تمام
کوچه‌های شهر صدای ناله و
گریه برمی‌خیزد و حتی دهقانان
دعوت می‌شوند تا با مرثیه
خوانان نوحه‌گری کنند. ۱۷ در
تاکستانها نوحه‌گری برپا

می‌شود، زیرا من برای مجازات
شما می‌آیم.» خداوند چنین
فرموده است.

روز داوری خداوند

۱۸ وای به‌حال شما که در
آرزوی فرارسیدن روز خداوند
هستید! آن روز چه فایده‌ای
برای شما خواهد داشت؟ زیرا
در آن روز تاریکی را می‌بینید،
نه روشنی را. ۱۹ در آن روز،

شما مانند کسی خواهید بود که
از یک شیر فرار می‌کند و با
یک خرس روبرو می‌گردد. یا
مانند کسی که به خانهٔ خود
داخل می‌شود و دست خود را
بر دیوار می‌گذارد و یک مار او
را می‌گزد. ۲۰ روز خداوند،
تاریکی مطلق را ایجاد می‌کند و
اثری از روشنی دیده نمی‌شود.
آن روز، یک روز تاریک بوده،
نور و روشنایی به چشم

نمی‌خورد.

۲۱ خداوند می‌فرماید: «من
از عیدهای‌تان بیزارم و از
محافل مذهبی شما نفرت دارم.
۲۲ قربانی‌های سوختنی و
هدیه‌های آردی شما را
نمی‌پذیرم و به قربانی حیوانات
چاقی که جهت شکرگزاری
می‌آورید، توجهی ندارم. ۲۳
سرود حمد خود را به گوش من
نرسانید. نوای چنگ شما را

نمی‌شنوم. ۲۴ به عوض،
بگذارید که عدالت مانند آب و
انصاف مانند دریا همیشه در
جریان باشد.

۲۵ ای خاندان اسرائیل، در
مدت چهل سالی که در بیابان
بودید، آیا برای من قربانی و
هدیه می‌آوردید؟ ۲۶ شما
مجسمهٔ سیکوت را به عنوان
پادشاه و بُت کیوان، خدای
ستاره‌گان را برای خود ساختید

و پرستش کردید. ۲۷ بنابران،
من شما را به یک سرزمین دور،
در آن طرف دمشق تبعید
می‌کنم.» خداوندی که نام او
خدای قادر مطلق است، چنین
فرموده است.

وای بر قوم اسرائیل

۱ وای بر شما که در کوه
صهیون و کوه سامره در رفاه و
آسوده‌گی زندگی می‌کنید و به

این فخر می‌کنید که رهبر و
پیشوای قوم بزرگی هستید و
مردم اسرائیل برای درخواست
کمک نزد شما می‌آیند. ۲ به
شهر کلنِه بروید، بعد از شهر
بزرگ حمات دیدن کنید و از
آنجا به شهر جت، در سرزمین
فلسطینی‌ها، بروید و ببینید که
آیا آنها بهتر از ممالک شما
هستند و یا ساحهٔ سرزمین‌شان
بزرگتر از سرزمینهای شماست؟

۳ شما روز مصیبتی را که بر
سر شما آمدنی است انکار
می‌کنید، اما با انجام دادن
کارهای زشت‌تان به آن روز
مصیبت نزدیکتر می‌شوید.

۴ وای بر شما که بر
تختهای تزئین شده از عاج فیل
دراز می‌کشید، در بسترهای نرم
می‌خوابید و بهترین گوشت بره
و لذیذترین گوشت گوساله را
می‌خورید. ۵ با نوای چنگ

آواز می‌خوانید و مانند داوود پادشاه، آلات موسیقی را برای خود اختراع می‌کنید. ۶
جامهای شراب را سر می‌کشید و با بهترین عطرها خود را خوشبو می‌سازید، ولی به‌خاطر مصیبت قوم اسرائیل غمگین نمی‌شوید. ۷ بنابران، شما قبل از دیگران به اسارت می‌روید و روزهای عیش و خوشگذرانی شما به پایان می‌رسند.

۸ خداوند، خدای قادر
متعال به نام خود سوگند خورده
است و می‌فرماید: «من از غرور
قوم اسرائیل بیزار هستم و از
قلعه‌های مستحکم آنها نفرت
دارم. پس من پایتخت آن را با
همه چیزهایی که در آن است به
دشمنان تسلیم می‌کنم.»

۹ اگر ده نفر در یک خانه
باقی مانده باشند، آنها هم
خواهند مُرد. ۱۰ وقتی

خویشاوند شخص مُرده برای
دفن کردن جنازهٔ او بیاید، از آن
کسی که در خانه هنوز زنده
است خواهد پرسید: «آیا کس
دیگری در خانه باقی مانده
است؟ او جواب خواهد داد:
«نه.» آن خویشاوند از ترس
خواهد گفت: «خاموش باش و
نام خداوند را بر زبان نیاور،
مبادا ما هم بمیریم!» ۱۱ وقتی
خداوند امر فرماید، خانه‌های

بزرگ و کوچک با خاک
یکسان می‌شوند. ۱۲ آیا اسپها بر
صخره‌ها می‌دوند؟ آیا گاوها
بحر را قلبه می‌کنند؟ اما شما
انصاف را به زهر تبدیل نموده
و میوهٔ عدالت را به کام مردم
تلخ ساخته‌اید.

۱۳ شما به این که شهر
لودیبار را تسخیر کرده‌اید،
افتخار می‌کنید و می‌گویید: «آیا
ما با قدرت خود شهر کارنائیم

را فتح نکردیم؟»

۱۴ اما خداوند، خدای قادر
مطلق می‌فرماید: «ای قوم
اسرائیل، من لشکر دشمن را
می‌فرستم تا کشور شما را
تصرف کنند و مردم شما را از
شهر حمات تا درهٔ عرَبه، یعنی
از سرحد شمال تا به سرحد
جنوب، تحت فشار قرار
دهند.»

رؤیای ملخ

۱ در رؤیایی که خداوند
متعال به من نشان داد، دیدم که
بعد از درو ِ محصول اول غله که
سهم پادشاه بود و محصول دوم
تازه سبز شده بود، خداوند یک
خیل ملخ را به وجود آورد. ۲
بعد از آن که ملخها همه
گیاه‌های سبز زمین را خوردند،
من به خداوند گفتم: «ای
خداوند متعال، از تو التماس

می‌کنم که قوم برگزیدهٔ خود را ببخشی. آنها قوم کوچک و ضعیف هستند و طاقت این بلا را ندارند.» ۳ پس خداوند هم رحم کرد و فرمود: «آنچه را در رؤیا دیدی، اتفاق نمی‌افتد.»

رؤیای آتش

۴ خداوند متعال در رؤیای دیگری، آتش بزرگی را که برای مجازات مردم آماده کرده

بود، به من نشان داد. آن آتش
آبهای عمیق را بلعید و تمام
نباتات زمین را سوختاند. ۵
من گفتم: «ای خداوند متعال،
التماس می‌کنم که این کار را
نکن، زیرا قوم برگزیدهٔ تو
کوچک و ضعیف است و
طاقت این بلا را ندارد.» ۶
پس خداوند رحم کرد و
فرمود: «این حادثه هم اتفاق
نمی‌افتد.»

۷ بعد در رؤیای دیگری
دیدم که خداوند در کنار یک
دیوار که با استفاده از شاقول
بنا شده بود، ایستاده بود و
شاقولی در دست داشت. ۸
آنگاه از من پرسید: «عاموس،
چه می‌بینی؟»

من جواب دادم: «یک
شاقول.»

خداوند فرمود: «با این
شاقول می‌خواهم نشان بدهم که
قوم برگزیدهٔ من اسرائیل مانند
این دیوار، راست نیست.
بنابرین می‌خواهم که آنها را
مجازات کنم و از تصمیم خود
منصرف نمی‌شوم. ۹ من
قربانگاه‌های فرزندان اسحاق
یعنی معبدهایی را که مردم
اسرائیل بالای تپه‌ها بنا
کرده‌اند، ویران می‌کنم و

خاندان یِرُبعام پادشاه را با
شمشیر نابود می‌سازم.»

عاموس و اَمَصیا

۱۰ آنگاه اَمَصیا، کاهن
بیت‌ئیل، به یِرُبعام، پادشاه
اسرائیل خبر داد و گفت:
«عاموس در بین قوم اسرائیل بر
ضد تو دسیسه کرده است و
سخنان او برای مردم کشور ما
قابل تحمل نیست. ۱۱ زیرا او

می‌گوید که تو با شمشیر به قتل
می‌رسی و قوم اسرائیل از
کشورشان تبعید شده به اسارت
بُرده می‌شوند.»

۱۲ بعد اَمَصیا به عاموس
گفت: «ای فالبین، از این
کشور خارج شو. به سرزمین
یهودا برگرد و در آنجا با نبوت
کردن، پول به‌دست آور و نان
بخور. ۱۳ دیگر هرگز در
بیت‌ئیل نبوت نکن، زیرا اینجا

محل عبادت پادشاه و معبد
مردم ما می‌باشد.»

۱۴ عاموس جواب داد: «از
نگاه مسلک، من نه نبی هستم
و نه به عنوان یک نبی تعلیم
گرفته‌ام. وظیفهٔ من اصلاً
چوپانی و پرورش درخت انجیر
بود. ۱۵ اما خداوند مرا از کار
چوپانی گرفت و فرمود: «برو
برا قوم اسرائیل نبوت کن.»
۱۶ حالا تو می‌گویی که بر ضد

قوم اسرائیل نبوت نکنم، پس
ای اَمَصیا، به کلام خداوند
گوش بده ک به تو می‌فرماید:
۱۷ زن تو در این شهر فاحشه
می‌شود، فرزندانت در جنگ به
قتل می‌رسند و مُلک و زمینت
تقسیم شده و به دیگران تعلق
می‌گیرد. خودت هم در یک
کشور بیگانه می‌میری و قوم
اسرائیل از وطن خود تبعید
می‌شود.»

رؤیای سبد میوه

۱ خداوند متعال در رؤیای دیگری یک سبد پُر از میوهٔ رسیده را به من نشان داد ۲ و از من پرسید: «عاموس چه می‌بینی؟»

من جواب دادم: «یک سبد پُر از میوهٔ رسیده.»

خداوند به من توضیح داده، فرمود: «وقت آن رسیده که قوم

برگزیدهٔ من، اسرائیل، به جزای
اعمال خود برسند و من از
مجازات آنها منصرف نمی‌شوم.
۳ در آن روز سرودهایی که
مردم در معبد می‌سرایند، به گریه
و نوحه تبدیل می‌شوند. اجساد
مُرده‌گان در همه جا به چشم
می‌خورند و خاموشی مطلق در
همه جا حکم‌فرما می‌شود.»

نابودی قوم اسرائیل

④ بشنوید ای کسانی که مردم مسکین و بینوا را پایمال می‌نمایید و قصد نابودی اهالی فقیر این سرزمین را دارید! ⑤ به این فکر هستید که: «هرچه زودتر روز سَبَت و تعطیلات مذهبی به پایان برسند تا به کسب و کار خود شروع کنید و غلهٔ خود را به قیمت گران بفروشید. در ترازو تقلب می‌نمایید و با وزن‌های سُبکتر

مشتری را فریب می‌دهید. ۶
گندم پسماندهٔ خود را به فقیران
در بدل نقره می‌فروشید و مردم
مسکین را به‌خاطر قرض یک
جوره کفش به غلامی
می‌گیرید.»

۷ خداوند، خدای پُر جلال
اسرائیل، به نام خود سوگند
خورده می‌فرماید: «من هرگز
کارهای آنها را فراموش
نمی‌کنم. ۸ پس این سرزمین به

لرزه می‌آید و ساکنان آن ماتم
می‌گیرند. تمام کشور اسرائیل
مانند دریای نیل در هنگام
سیلاب، متلاطم شده بالا می‌آید
و دوباره فرو می‌نشیند.» ۹
خداوند متعال می‌فرماید: «در
آن روز به فرمان من آفتاب در
وقت ظهر غروب می‌کند و زمین
را در روز روشن تاریک
می‌سازم. ۱۰ جشنهای‌تان را به
ماتم و سرود خوشی شما را به

مرثیه و سوگواری تبدیل می‌کنم.
آنگاه مانند این که یگانه پسرتان
مُرده باشد، سرهای‌تان را
تراشیده، لباس ماتم می‌پوشید و
آن روز برای شما یک روز
بسیار تلخ و ناگوار خواهد
بود.»

۱۱ خداوند متعال می‌فرماید:
«روزی می‌رسد که قحطی را به
این سرزمین می‌فرستم. این
قحطی، قحطی نان و آب

نخواهد بود، بلکه قحطی
شنیدن پیام خداوند می‌باشد. ۱۲
مردم از بحیرهٔ شور تا بحیرهٔ
مدیترانه و اطراف آن از شمال
تا مشرق دنبال پیام خداوند
می‌گردند، اما موفق به یافتن آن
نمی‌شوند. ۱۳ در آن روز حتی
دختران زیبا و مردان جوان هم
از تشنه‌گی بی‌حال می‌گردند. ۱۴
کسانی که به نام بُتهای سامره و
دان و بئرشِبع قسم می‌خورند،

می‌افتند و دیگر برنمی‌خیزند.»

رؤیای عاموس در مورد غضب خداوند

۱ خداوند را دیدم که در
کنار قربانگاه ایستاده بود و
فرمود:

«به تاج ستونهای
عبادتگاه چنان ضربه
بزن

تا تهداب آن به لرزه

آید

و سقف آن بر سر
همهٔ مردم
فروریزد.

حتی کسانی را که زنده
بمانند با شمشیر
می‌کُشم.

هیچ‌کسی نمی‌تواند
فرار کند و خود

را نجات دهد.

۲ حتی اگر در دنیای
مُرده‌گان خود را پنهان
کنند،

از دست من رهایی
نمی‌یابند.

اگر به آسمان هم فرار
کنند،

آنها را پایین

می‌آورم.

۳ اگر در کوه کرمِل پنهان شوند،

به جستجوی‌شان
می‌روم و آنها را
پیدا می‌کنم.

حتی اگر در اعماق بحر مخفی شوند،

اژدهای بحری را

می‌فرستم تا آنها
را بگزد.

۴ اگر به کشور دشمن تبعید
شوند،

من به دشمنان
فرمان می‌دهم تا
آنها را در آنجا
بکُشند.

من قصد مجازات آنها را

دارم،

نه این که آنها را
کمک کنم.»

۵ خداوند، خدای قادر
مطلق وقتی زمین را لمس
کند،

زمین ذوب می‌شود
و ساکنان آن
ماتم می‌گیرند.

تمام زمین مانند آب
دریای نیل بالا می‌آید

و دوباره
فرومی‌نشیند.

۶ خدایی که خانهٔ خود را
در آسمانها بنا کرده

و گنبد آسمان را بر
فراز زمین قرار
داده است،

آبهای بحر را جمع می‌کند

و آنها را بر زمین
می‌باراند.

نام او خداوند است!

۷ خداوند می‌فرماید: «ای
قوم اسرائیل، آیا شما برای من
بهتر از حبشی‌ها هستید؟ همان
طور که من شما را از کشور
مصر بیرون آوردم، فلسطینی‌ها

را از جزیرهٔ کریت و مردم
سوریه را از سرزمین قیر بیرون
آوردم. ۸ من، خداوند متعال،
پادشاهی گناهکار اسرائیل را
می‌بینم و آنها را از روی زمین
نابود می‌کنم، اما قوم اسرائیل را
کاملاً از بین نمی‌برم.» خداوند
چنین فرموده است.

۹ خداوند می‌فرماید: «من
فرمان می‌دهم که قوم اسرائیل را
در بین ملتها، همان‌طوری که

گندم را غربال می‌کنند، تکان
بدهند تا کاملاً از مردم بدکار
جدا شوند. ۱۰ تمام گناهکاران
قوم برگزیدهٔ من که می‌گویند:
«بلایی بر سر ما نمی‌آید.» با
شمشیر کُشته می‌شوند.»

بازسازی مجدد سلطنت داوود

۱۱ خداوند می‌فرماید:
«زمانی خواهد رسید که من
سلطنت داوود را که ویران شده

است، دوباره برقرار می‌سازم.
دیوارهای آنرا تعمیر می‌کنم و
آنرا بازسازی نموده و مانند
گذشته بنا می‌کنم. ۱۲ قوم
اسرائیل همهٔ آنچه را که از ادوم
و قومهای دیگر باقی مانده
است و زمانی به من تعلق
داشت، تصاحب می‌کنند.»
خداوند که همهٔ اینها را بجا
می‌آورد، فرموده است.

۱۳ خداوند می‌فرماید:

«زمانی می‌رسد که غله
چنان فراوان می‌شود

که دروگران
فُرصت درو
کردن آن را
نمی‌داشته باشند

و انگور به قدری
فراوان می‌گردد

که وقت برای

فشردن آن
نمی‌باشد

و شراب شیرین از
تپه‌ها جاری
می‌شود.

۱۴ من قوم خود را دوباره به
وطن‌شان برمی‌گردانم.

آنها شهرهای ویران
شده را آباد

می‌کنند،

باغها و تاکستانها درست
می‌کنند

و از محصول آنها
برکت می‌گیرند.

۱۵ قوم خود را در سرزمینی
که به آنها داده‌ام، استوار
می‌سازم

و بار دیگر آنها را از

وطن‌شان جدا
نمی‌کنم.»

خداوند که خدای شماست،
چنین فرموده است.